

The Legal Nature of Artificial Intelligence Inventions

Abdul Wajid Jahid¹ 

1. Master's Graduate in Private Law, Faculty of Law, Imam Khomeini International University, Iran. Email: jahid.tarang@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 14/12/2025
Received in revised
form: 09/02/2026
Accepted: 11/03/2026
Available online:
19/03/2026

Keywords:

Intellectual Property
Law, Invention,
Inventor, Artificial
Intelligence, Nature of
Invention

ABSTRACT

Artificial intelligence, due to its lack of independent legal personality and the absence of attribution of civil liability, faces gaps regarding AI related inventions. This study examines the legal nature of inventions based on AI technologies through a comparative approach between Iranian and Afghan law. With the expansion of machine learning algorithms and generative content systems, the definition and protection of AI inventions have been challenged within the framework of national laws. The main objective is to identify legal models compatible with the specific characteristics of such inventions (including reproducibility, explainability, and the role of humans in the innovation process). This study investigates two main axes: first, whether the output generated by AI models can be considered an invention or merely the result of human machine collaboration; and second, how the role of a specific human actor can be defined in such cases. The research methodology relies on comparative studies of international and domestic laws, examination of key judicial cases, and a combined legal technical analysis. The findings indicate that despite technological advancements, most legal systems still attribute AI inventions to “human produced outcomes” or “human controlled tools,” and patent applications are typically filed in the name of the AI user, the person who enabled the AI operation, or companies possessing technical expertise. It is recommended that new legal frameworks or specific amendments be developed to address these technological configurations.

Cite this article: Jahid, A. (2026). The Legal Nature of Artificial Intelligence Inventions, *Kateb International Journal of Law*, 4 (2), 75-90. DOI: <https://doi.org/10.66943/kjl.v4i2.74>



© The Author(s).

Publisher: Kateb University.

ماهیت حقوقی اختراعات هوش مصنوعی

عبدالواحد جاہد^۱ 

۱. ماستر حقوق خصوصی، پوهنځی حقوق، پوهنتون بین‌المللی امام خمینی، تهران، ایران.

ایمیل: jahid.tarang@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله تحقیقی	هوش مصنوعی به دلیل فقدان شخصیت حقوقی مستقل و عدم انتساب مسئولیت مدنی آن، با خلأهایی در خصوص اختراعات مرتبط مواجه است. این تحقیق، ماهیت حقوقی اختراعات مبتنی بر فناوری‌های هوش مصنوعی را با رویکردی تطبیقی میان حقوق ایران و افغانستان بررسی می‌کند. با گسترش الگوریتم‌های یادگیری ماشینی و سامانه‌های مولد محتوا، تعریف و حفاظت از اختراعات هوش مصنوعی در چارچوب قوانین ملی به چالش کشیده شده است. هدف اصلی، تبیین مدل‌های قانونی سازگار با ویژگی‌های ویژه این اختراعات (ازجمله تکرارپذیری، توضیح‌پذیری و نقش انسان در فرایند ابتکار) است. این تحقیق دو محور اصلی را بررسی می‌کند: اول این‌که آیا نتیجه ایجادشده توسط مدل‌های هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان اختراع تلقی شود یا فقط حاصل همکاری انسان و ماشین است؟ دوم این‌که چه‌گونه می‌توان نقش انسان معین را در چنین مواردی تعریف کرد؟ روش‌شناسی تحقیق بر مطالعات تطبیقی قوانین بین‌المللی و داخلی، بررسی پرونده قضایی کلیدی و تحلیل حقوقی فنی ترکیبی متکی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم پیشرفت‌های فناوری، اکثر سیستم‌های حقوقی هنوز اختراعات هوش مصنوعی را به «نتایج کار انسان» یا «ابزارهای دستکاری‌شده توسط انسان» نسبت می‌دهند و درخواست‌های ثبت اختراع معمولاً به نام به‌کارگیرنده هوش مصنوعی، شخصی که عملیات هوش مصنوعی را ممکن ساخته، یا شرکت‌های صاحب دانش فنی ثبت می‌شود. پیشنهاد می‌شود چارچوب‌های قانونی جدید یا اصلاحات مشخصی برای پاسخ به این پیکربندی‌های فناورانه تدوین شود.
واژه‌های کلیدی: حقوق مالکیت فکری، اختراع، مخترع، هوش مصنوعی، ماهیت اختراع	

استناد: جاہد، عبدالواحد (۱۴۰۴). ماهیت حقوقی اختراعات هوش مصنوعی. *مجله بین‌المللی حقوق کاتب*، ۴ (۲)، ۷۵-۹۰.

DOI: <https://doi.org/10.66943/kjl.v4i2.74>



© نویسندگان.

ناشر: پوهنتون کاتب.

مقدمه

ما در حال حاضر، در عصر انقلاب هوش مصنوعی به سر می‌بریم (Akula & Garibay, 2021: 1)، هوش مصنوعی یک شعار عصر امروزی است (Jordan, 2019: 2) جهان پویا و در حال حاضر، به‌سوی فناوری‌های هوش مصنوعی و شناختی می‌نگرد و می‌کوشد تا نوآوری‌هایی را بیافریند که کارآمدی، پایداری و انسجام‌شان بر همکاری تنگاتنگ میان نوآوری، هوش شناختی و هوش مصنوعی اتکا دارد. این همگرایی، با همیاری هوشمند و هوشی عمیق، راه‌هایی را می‌گشاید که به‌شکلی ملموس، منافع مادی و اجتماعی بشریت را تقویت می‌کند. توسعه‌های هوش مصنوعی، سودهای اقتصادی بسیاری را برای جامعه به ارمغان آورده‌اند و درعین‌حال ارتقای اجتماعی قابل توجهی را نیز رقم زده‌اند؛ جهانی که روزبه‌روز به سمت عصر تازه‌ای گام برمی‌دارد که در آن فناوری و انسان به‌طور چشمگیری با یکدیگر هم‌زیست و همکاری دارند. این روند تحول‌آفرین، به‌ویژه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی، ارزش‌آفرینی‌های نوینی را پدید آورده است که در چشم‌انداز آینده، دوام و پایداری جامعه را تقویت می‌کند و با هم‌افزایی هوش مصنوعی، هوش شناختی و نوآوری راهی برای توسعه پایدار می‌سازد (سلیمانی و محمدی، ۱۴۰۳: ۲).

۱. بیان مسأله

در نظام‌های حقوقی سنتی، «مخترع» به‌عنوان شخص حقیقی تعریف می‌شود که با خلاقیت ذهنی خود به اختراع دست می‌یابد. اما در اختراعات مبتنی بر هوش مصنوعی، این پرسش مطرح می‌شود که «آیا می‌توان سیستم هوش مصنوعی را به‌عنوان مخترع شناسایی کرد یا خیر؟». قوانین ثبت اختراعات در ایران و افغانستان به‌طور عمده بر مبنای نقش انسان تدوین شده‌اند و پاسخ روشنی به این مسأله ارائه نمی‌دهند. این خلأ موجب ابهام در ثبت، حمایت و بهره‌برداری از اختراعات هوش مصنوعی شده است. همان‌گونه که علم و فناوری جهان را باهم پیوند می‌دهد، فناوری هوش مصنوعی به سرعت به جلو می‌تازد و همواره شاخه‌های تازه‌ای از شگفتی را می‌گشاید و جهان را با محتوای نوینی از اندیشه‌ها می‌سازد. هوش مصنوعی پیوسته به‌روز می‌شود و از طریق دامنه‌ای وسیع از حوزه‌ها، جای پای خود را با قدرت و لطافت در زندگی انسان‌ها پهن می‌کند. این یک واقعیت و انکارناپذیر است که هوش مصنوعی به‌طور فزاینده‌ای در حوزه مالکیت فکری از جمله اختراعات، ترویج و توسعه یافته است (عموقین، و نصیری، ۱۴۰۳: ۱۱۵).

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

بررسی این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که هوش مصنوعی به‌سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از ارکان اصلی نوآوری و توسعه اقتصادی است. نبود چارچوب حقوقی شفاف می‌تواند مانع سرمایه‌گذاری، کاهش انگیزه نوآوری و ایجاد اختلافات حقوقی شود. ازسوی دیگر، کشورهای در حال توسعه مانند ایران و افغانستان برای همگام شدن با تحولات جهانی، نیازمند بازنگری در قوانین مالکیت فکری خود هستند تا بتوانند از ظرفیت‌های فناوری‌های نوین بهره‌برداری کنند (سلمانی، ۱۴۰۳: ۲).

۳. هدف تحقیق

هدف این مقاله، تحلیل وضعیت حقوقی اختراعات مبتنی بر هوش مصنوعی در ایران و افغانستان و بررسی چالش‌های موجود در زمینه شناسایی مخترع، مالکیت و حمایت قانونی از این اختراعات است. همچنین تلاش می‌شود پیشنهادهایی برای اصلاح و به‌روزرسانی قوانین مرتبط ارائه شود تا این نظام‌ها بتوانند پاسخگوی تحولات فناوری باشند.

از مهم‌ترین خلأهای موجود می‌توان به نبود تعریف مشخص از «مخترع» در زمینه هوش مصنوعی، عدم پیش‌بینی نقش سیستم‌های هوشمند در فرآیند اختراع و نبود رویه قضایی روشن اشاره کرد. همچنین هماهنگ نبودن قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی، ضعف در زیرساخت‌های حقوقی و کمبود تخصص در حوزه فناوری و حقوق از دیگر چالش‌های اساسی محسوب می‌شود.

۴. مبانی نظری

۴_۱. مفهوم اختراع

اختراع در لغت به معنای آفریدن، پدید آوردن، از نو ساختن، ایجاد کردن، خلق کردن و مانند این‌ها آمده است. در معنای اصطلاحی، به نتیجه فکر فرد یا افراد گفته می‌شود که برای نخستین بار فرایند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می‌کند و مشکلی را در یک حرفه، فن، فناوری، صنعت و امثال آنها حل می‌نماید. فرهنگ حقوقی لیتره «اختراع» را این گونه تعریف می‌کند: «آفریدن چیزی تازه با نیروی روح». از دیدگاه لیتره، در مقایسه با اختراع، کشف یعنی: «یافتن آنچه شناخته نشده یا مجهول مانده است» (منصوریان، ۱۳۹۶: ۸۰).

قانون‌گذار افغانستان، اختراع را «پدیده‌ای جدید یا استفاده از وسایل موجود به طریقی جدید جهت حصول یک نتیجه یا محصول صنعتی، زراعی و یا خدماتی که پیش از آن مانند آن موجود نبوده باشد» می‌داند. تعریف مشابهی در ماده ۱ قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ ایران آمده است: «اختراع، نتیجه فکر فرد یا افراد است که راه‌حل عملی جدیدی را برای حل مشکل فنی مشخص در زمینه صنعت ارائه می‌نماید. اختراع ممکن است به صورت فرآورده یا فرایند باشد».

حق اختراع توسط مقامات صالح به مخترع داده می‌شود تا از اختراع برای مدت معین (حداکثر بیست سال) بهره‌برداری کند. این مدت زمان بهره‌برداری انحصاری توسط پدیدآورنده در هر دو نظام حقوقی ایران و افغانستان، ۲۰ سال پیش‌بینی شده است. حق اختراع عبارت است از حقوقی که قانون به عنوان پاداش برای تلاش پدیدآورندگان، برای مدت معین و در ازای افشای اختراع، به مخترع اعطا می‌کند تا مخترعان با کنترل انحصاری خود، دیگران را از استفاده یا فروش بدون اجازه بازدارند (پارسامنش، ۱۴۰۳: ۲).

۴_۲. شرایط ثبت اختراع

قوانین موضوعه و اسناد بین‌المللی مرتبط با اختراعات نظیر کنوانسیون اروپایی حمایت از اختراعات، موافقت‌نامه تریپس، قانون حمایت از مالکیت صنعتی ایران مصوب ۱۴۰۳ و قانون حمایت از حقوق مخترع

و مکتشف افغانستان مصوب ۱۳۹۵، هنگام توصیف شرایط اختراع عناوین مختلفی برگزیده‌اند که با اندک تسامح می‌توان همه آن‌ها را دارای معانی یکسان دانست.

بر اساس تعریفی که از اختراع در بند ۱ ماده ۳ قانون مخترع و مکتشف افغانستان شده است و تصریحات مربوط به حمایت از اختراع و اکتشاف که در بندهای ماده ۴ قانون یادشده و ماده ۱۱ قانون حمایت از مالکیت صنعتی ایران آمده است، برای اینکه یک اختراع به ثبت برسد و مورد حمایت قرار گیرد، شرایط ماهوی زیر لازم است:

۱. تازگی (جدید بودن)؛

۲. گام ابتکاری؛

۳. کاربرد صنعتی (مفید بودن).

چنان‌که بند ۱ ماده ۴ قانون مخترع و مکتشف افغانستان تصریح می‌دارد: «اختراع یا اکتشاف، حق انحصاری مخترع یا مکتشف است که در عرصه‌هایی چون تولید، پروسس، تکنولوژی جدید و گام اختراعی که قابلیت کاربرد صنعتی را داشته باشد، مورد حمایت قرار می‌گیرد» (جعفرزاده و محمودی، ۱۳۸۴: ۷۷). مقصود از جدید بودن اختراع این است که پیش از تقدیم اظهارنامه اختراع، هیچ‌کس از آن آگاه نبوده باشد (ذهابی، ۱۳۸۹: ۲۲۸). گام ابتکاری به این معناست که اختراع برای دارنده مهارت متعارف در فن یا صنعت مربوط، معلوم و آشکار نباشد. همچنین در کنار شرط تازگی و گام ابتکاری، یکی دیگر از شرایط ماهوی حق اختراع، کاربرد صنعتی است. دارا بودن کاربرد صنعتی بدین معناست که اختراع در رشته‌ای از صنعت قابل ساخت یا استفاده باشد. مراد از صنعت، مفهوم عام است و شامل مواردی نظیر صنایع دستی، کشاورزی، ماهی‌گیری و خدمات نیز می‌شود.

۳-۴. حقوق ناشی از حق اختراع

حقوق ناشی از ثبت اختراع به مخترع و سازنده اثر یا مالک اختراع این امکان را می‌دهد که از اختراع خود بهره‌برداری کند و از حقوق انحصاری مرتبط با آن برخوردار باشد. این حقوق در حقوق افغانستان و ایران دارای جنبه‌های معنوی، مادی و انحصاری است.

حقوق معنوی اختراع شامل خلاقیت‌ها، تراوشات فکری و استعدادهای ذهنی انسان می‌شود. حقوق معنوی مخترع در ماده ۵۴ قانون حمایت از مالکیت صنعتی شامل دو مورد (حق مخترع بر ذکر نام و حق بهره‌مندی مخترع از جوایز) دانسته شده است. وفق ماده ۳۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳، جنبه‌های مادی حقوق ناشی از اختراع یا حق بهره‌برداری انحصاری از آن، متعلق به دارنده گواهی‌نامه اختراع (مالک اختراع) است.

منظور از حقوق انحصاری، استفاده بهره‌برداری اختصاصی و انحصاری از موضوع اختراع ایجادشده است. در حقیقت، برخی کارها را فقط مالکان اختراع می‌توانند انجام دهند و دیگران اجازه دخل و تصرف در آن را ندارند، مگر اینکه از مالکان مجوز گرفته باشند. بند ۱ ماده ۴ قانون حمایت از حقوق مخترع و مکتشف افغانستان در این خصوص مقرر می‌دارد: «اختراع یا اکتشاف، حق انحصاری مخترع یا مکتشف آن بوده و مورد حمایت قرار می‌گیرد، مشروط بر اینکه مطابق احکام این قانون به ثبت رسیده باشد». وفق بند

(۱) ماده ۲۸ موافقت‌نامه تریپس، ماده ۳۶ قانون حمایت از مالکیت صنعتی ایران و بند ۲ ماده ۲۳ قانون مخترع و مکتشف افغانستان، ثبت اختراع به مالک آن مجموعه حقوق انحصاری را اعطا می‌کند (میرحسینی، ۱۳۸۷: ۳۷۹).

۴_۴. مفهوم هوش مصنوعی

هوش مصنوعی^۱ یا هوش ماشینی^۲ و به اسم اختصاری AI، مفهومی است که از طریق ماشین‌ها ظهور می‌یابد؛ در برابر هوش طبیعی که در جانوران، از جمله انسان‌ها، مشاهده می‌شود. و برخلاف هوش طبیعی^۳ که توسط انسان‌ها و سایر حیوانات نمایش داده می‌شود. هوش مصنوعی که با نام هوش ماشینی نیز شناخته می‌شود، نوعی توانایی سیستم‌های کامپیوتری است که بر یادگیری از داده‌های ورودی در گذشته و به‌کارگیری این تجربه حاصل‌شده برای بهبود عملکرد آینده، استفاده می‌شود. این اصطلاح زمانی بیش‌تر به کار می‌رود که ماشین رفتاری شناختی مشابه با فرآیندهای ذهنی انسان در حین یادگیری و حل مسأله را تقلید کند (سلیمانی و محمدی، ۱۴۰۳: ۹). پیش از هر چیز روشن است که واژه «هوش» نشان‌دهنده توان استدلال است و این که آیا هوش مصنوعی می‌تواند به قدرت استدلال دست یابد یا نه، موضوعی است که محققان درباره‌اش اختلاف نظر دارند.

کتاب‌های معتبر درباره AI این حوزه را به‌عنوان شاخه‌ای از مطالعه «عوامل هوشمند» تعریف می‌کنند: هر سامانه‌ای که محیط خود را درک کند و کنش‌هایی انجام دهد که شانس دستیابی به اهدافش را افزایش می‌دهد. برخی منابع، از عبارت «هوش مصنوعی» برای توصیف ماشینی استفاده می‌کنند که عملکردهای «شناختی» را از ذهن انسان تقلید می‌کند، مانند یادگیری و حل مسأله؛ با این حال این تعریف از سوی محققان اصلی AI به نقد کشیده شده است.

هوش مصنوعی دامنه‌ای از نرم‌افزارهای کاربردی است که برای شبیه‌سازی، تحلیل، و بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری انسانی طراحی شده است (سهرابی و مؤمنی، ۱۴۰۲: ۱۹۷).

۴_۵. تاریخچه هوش مصنوعی

اگرچه تعیین دقیق ریشه‌های هوش مصنوعی دشوار است، به‌احتمال قوی می‌توان آن را تا دهه ۱۹۴۰ میلادی، به‌ویژه سال ۱۹۴۲ جست‌وجو کرد؛ زمانی که نویسنده آمریکایی علمی‌تخیلی، ایزاک آسیموف، داستان کوتاهش را با نام روناروند^۴ منتشر کرد. خلاصه این داستان در پی پیروی روبات از سه قانون روباتیک است: (۱) یک روبات نباید به انسان آسیب برساند یا با ترک وظیفه، اجازه آسیب رساندن به انسان را بدهد؛ (۲) روبات باید از دستورات انسان‌ها اطاعت کند، مگر آن که این دستورات با قانون نخست در تعارض باشد؛ (۳) روبات باید از وجود خویش حفاظت کند تا زمانی که چنین حفاظتی با قوانین نخست یا دوم در تضاد نباشد. آثار آسیموف نسل‌ها از دانشمندان حوزه روباتیک، هوش مصنوعی، علوم کامپیوتر و

1 Artificial intelligence (AI)

2 Machine intelligence (MI)

3 Natural intelligence (NI)

4 RUNAROUND، داستانی راجع به رباتی که توسط مهندسانی هریک (گرگوری پاول و مایک دونوان) ساخته شده است.

سایر حوزه‌ها را الهام‌بخش خود ساخت. از جمله این الهام‌بخشی‌ها، دانشمند آمریکایی، مَورون منسکی، بود که بعدها همراه با دیگران پایه‌گذار آزمایشگاه هوش مصنوعی MIT شد.

بعدها واژه هوش مصنوعی به‌طور رسمی ابداع شد؛ زمانی که در سال ۱۹۵۶ میلادی «ماروین مینسکی و جان مک کارتی» پروژه تحقیقاتی تابستانی دارتموث در مورد هوش مصنوعی را در کالج دارتموث نیوهمپشایر برگزار کردند. این کارگاه که نشان‌دهنده سرآغاز شکوفایی هوش مصنوعی بود.

شبکه‌های عصبی مصنوعی وقتی به یادگیری عمیق رسیدند، با شتابی ویژه بازگشتند؛ گویی در سال ۲۰۱۵، آلفاگوت^۱ برنامه ساخته گوگل، قهرمان جهان بازی گو^۲ را شکست داد. گو با شطرنج از نظر پیچیدگی تفاوت‌های بنیادینی دارد؛ برای نمونه، در شطرنج در آغاز بیست حرکت ممکن است وجود داشته باشد، اما در گو ممکن است به سیصد و شصت‌ویک حرکت برسد. سال‌ها تصور می‌شد که کامپیوترها هرگز نمی‌توانند انسان‌ها را در این بازی به چالش بکشند. اما آلفاگو به این دستاورد ناگفته با کاربرد نوعی شبکه عصبی خاص، به نام یادگیری عمیق، دست یافت. اکنون شبکه‌های عصبی و یادگیری عمیق تبدیل به پایه اکثر فناوری‌های هوش مصنوعی شده‌اند. از الگوریتم‌های تشخیص تصویر، که در فیسبوک به کار می‌رود، تا الگوریتم‌های تشخیص صدا در بلندگوهای هوشمند و خودروهای خودران، این‌ها نشانی از ثمرات پیشرفت‌های آماری‌اند که از گذرگاه پاییز هوش مصنوعی به امروز رسیده‌ایم و در ادامه مسیر امروز ایستاده‌ایم.

در دهه ۲۰۰۰، افزایش داده‌های بزرگ^۳ و قدرت GPUs باعث پیشرفت‌های قابل توجه در یادگیری عمیق شد. مدل‌های مبتنی بر یادگیری عمیق در تشخیص تصویر و پردازش گفتار به دستاوردهای چشمگیری رسیدند. از دهه ۲۰۱۰ تا اکنون، یادگیری عمیق بر پایه اصلی بسیاری از کاربردها تبدیل شد؛ تشخیص چهره، ترجمه زبان، خودروهای خودران و سیستم‌های پیشنهاددهنده. پیشرفت‌های مهم در مدل‌های زبان بزرگ^۴ و همچنین کاربردهای گسترده در سلامت، اقتصاد و علوم پایه، موج نوینی از کاربردها و مباحث اخلاقی حقوقی را به وجود آورد (هانلین و کاپلان، ۱۴۰۲: ۷۶-۷۷).

۵. روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق، روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات با تکیه بر مبانی نظری و ادبیات تحقیق از منابع معتبر مانند کتب، مقالات و سایت‌های اینترنتی معتبر استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات به شکل فیش‌برداری است. محقق با بررسی و مطالعه دقیق نظریه‌ها و مفاهیم موجود، انجام مقایسه‌ای میان مطالعات پیشین و بررسی روابط و پیوستگی‌های بین آن‌ها، به درکی عمیق‌تر از موضوع تحقیق دست می‌یابد. این روش به محقق امکان می‌دهد تا با استفاده از اطلاعات موجود در منابع مختلف، به پاسخگویی به سؤالات تحقیقی خود پردازد و مطالعات قبلی را بهبود و گسترش دهد.

1. AlphaGo
2. Go
3. Big Data
4. LLMs

این تحقیق به شیوه‌های تحلیلی توصیفی و کتاب‌داری انجام می‌شود و محقق، علاوه به بررسی وضعیت موجود، به توصیف نظام‌مند مولفه‌های پدیدآورنده آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات مربوط به آن را به دقت مورد مطالعه قرار می‌دهد. در موارد لازم، به بحث پیوستگی و روابط بین متغیرها نیز پرداخته می‌شود. این روش‌های علمی پذیرفته‌شده در زمینه گردآوری منابع و اطلاعات، به‌ویژه در زمینه «ماهیت حقوقی اختراعات هوش مصنوعی»، به کار گرفته می‌شوند.

۶ یافته‌های تحقیق

۱-۶ اختراع هوش مصنوعی

در شرایط کنونی فناوری‌های نوین، به‌ویژه سیستم‌های هوش مصنوعی، مفهوم خالقیت را از لحاظ قانونی، اخلاقی و فلسفی به چالش کشیده‌اند. پیش از این، مفهوم خالقیت فقط با هوش بشری عجین شده بود و موضوعات مالکیت فکری، از جمله اختراعات و فعالیت‌های نظیر آن، تنها بشری محسوب می‌شد. قابلیت‌های خارق‌العاده سیستم‌های هوش مصنوعی این فرضیه سنتی و انسان‌محور را به چالش کشیده و موجب مطرح شدن این ادعا شده است که شباهت‌هایی بین هوش انسان و سامانه هوش مصنوعی وجود دارد. بنابراین، خروجی‌های خالقانه ناشی از هوش مصنوعی استحقاق حمایت قانونی به‌عنوان آثار مالکیت فکری را دارند. امروزه سیستم‌های هوش مصنوعی قادر به نوشتن داستان و مقاله، تولید آثار نقاشی و قطعه‌های موسیقی، ایجاد نرم‌افزار و حتی طراحی و خلق اختراعات و ابداعات هستند. در حوزه آفرینش‌های مالکیت صنعتی، عامل خالقیت شکل خاصی از نبوغ و هوش اختراعی به خود می‌گیرد. در عصر امروزی، فعالیت‌های خالقانه سیستم‌های هوش مصنوعی منجر به ایجاد آثاری مبتکرانه می‌شود که قابلیت برخورداری حمایت در قالب نظام اختراعات را دارد (شاگری و همکاران، ۱۴۰۳: ۷۳).

همان‌گونه که گفته شد، یکی از دستاوردهای ذهنی انسان اختراع است. اختراع استفاده از قواعد طبیعت برای طراحی محصول یا فرایند جدید برای حل مسأله در زمینه صنعت می‌باشد. هوش مصنوعی هم به‌عنوان ابزاری نیروی انسانی دست به اختراع زده و هم به‌صورت مستقل اختراعی را پدیدآورده است (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۹): زیرا هوش مصنوعی مجموعه‌ای از تئوری‌ها و تکنیک‌هایی است که قابلیت تولید ماشین‌هایی با قابلیت شبیه‌سازی هوش انسانی را دارد (هانلین و کاپلان، ۱۴۰۲: ۷۸) و با تحلیل محیط و اتخاذ تدابیر مختلف و با حفظ درجه‌ای از استقلال از خود رفتار هوشمندانه‌ای نمایش می‌دهد (رهبری و شعبانپور، ۱۴۰۱: ۲۱). با درنظرداشت نقش غیرقابل‌انکار سامانه هوش مصنوعی در ابداعات و اختراعات، در صورتی که هوش مصنوعی در خلقت یک اختراع با نیروی انسانی مشارکت داشته، یا به‌عنوان ابزاری شخصی پدیدآورنده از آن در ایجاد موضوع اختراع استفاده کند، آیا می‌توان به چنین اختراعی، اختراع مشترک را نسبت داد؟ برای وضاحت بهتر در این خصوص، بهتر است ابتدا به اصالت و ماهیت اختراع هوش مصنوعی پرداخته شود.

نظام ثبت اختراع، به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های نظام مالکیت صنعتی، یک معامله نانوشته بین مخترع و عموم شکل می‌دهد. در ازای افشا، مخترع برای مدت‌زمان محدودی از حقوق انحصاری به‌منظور بهره‌برداری از اختراع خود بهره‌مند می‌شود و پس از سپری شدن آن زمان، اختراع جهت بهره‌برداری به

عرصه عمومی وارد می‌شود. از منظر یک زاویه کلی و از دیدگاه منافع عمومی، اجازه دادن به هوش مصنوعی برای این که در جایگاه یک مخترع قرار گیرد، ممکن است از جذابیت معامله حق ثبت اختراع بکاهد، اما از نقطه نظر اقتصادی، نظام ثبت اختراع یک ابزار سیاستی برای تشویق سرمایه‌گذاری «بر مدل‌های هوش نمی‌تواند توسط مالکیت فکری تشویق شود، اما حفاظت از دارایی‌های مصنوعی» محسوب می‌شود. اگرچه خود هوش مصنوعی به‌طور مستقیم نمی‌تواند توسط مالکیت فکری تشویق شود، حفاظت از دارایی‌های فکری می‌تواند مخترعان را تشویق کند تا ماشین‌های اختراع مبتنی بر هوش مصنوعی را توسعه دهند (نوری و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲).

در نظام حقوقی ایران و افغانستان، قوانین که به تنظیم‌گری حوزه هوش مصنوعی پرداخته شده باشد، هنوز وجود ندارد. علی‌رغم این که این حوزه بسیار جدید است و در سطح بین‌المللی نیز قانون جامع هوش مصنوعی اتحادیه اروپا در مردادماه سال ۱۴۰۳ تصویب شد. موضع‌گیری کشورها در مورد مواجهه با ابعاد هوش مصنوعی در نظام مالکیت فکری هنوز تکمیل نشده و در حال حاضر هوش مصنوعی به عنوان مالک و مخترع در نظر گرفته نمی‌شود. در ایران ذیل قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب خردادماه سال ۱۴۰۳، ثبت اختراعات و اسرار تجاری ناشی از هوش مصنوعی یا از طریق هوش مصنوعی به‌صورت مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته است. در قانون حمایت از مالکیت صنعتی، روش‌های ریاضی از حیطة حمایت از اختراع خارج هستند و این بدان معناست که کدها و الگوریتم‌های هوش مصنوعی نیز به‌عنوان اختراع حمایت نخواهند شد. اما براساس سند ملی هوش مصنوعی مصوب و ابلاغ خرداد ماه سال ۱۴۰۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ثبت اختراعات هوش مصنوعی به‌عنوان یک شاخص کمی توسعه این فناوری محسوب شده و در ماده (۵) این سند، «اصلاح قوانین لازم در حوزه مالکیت فکری تولیدات مبنی بر هوش مصنوعی و ثبت اختراعات این حوزه و تسهیل در ایجاد سامانه‌های شناسایی خروجی‌های مرتبط» به‌عنوان یک اقدام راهبردی در نظر گرفته شده است (همان، ۲۰).

۲_۶ پرونده دابوس

پرونده «دابوس» اولین مورد تقابل مستقیم هوش مصنوعی با حقوق مالکیت فکری است و موردی بی‌سابقه در تاریخ حقوق ثبت اختراعات محسوب می‌شود. دکتر استیان تالر، مالک دابوس، در سال (۲۰۱۹) دو درخواست ثبت اختراع یکی ظرف غذای پلاستیکی مبتنی بر هندسه فراکتال و دیگری چراغ چشمکزن برای هشدار موارد اضطراری، که توسط مدل هوش مصنوعی دابوس ایجاد شده بودند ثبت کرد. دکتر تالر در توجیه این اقدام خود بیان کرد: امکان مخترع بودن نباید تنها به انسان یا نیروی بشری محدود شود و پذیرش سامانه هوش مصنوعی به‌عنوان مخترع با اهداف نظام حق اختراع، یعنی انگیزه دادن برای ترویج نوآوری و افشای اطلاعات، مطابقت دارد. محدود کردن امکان مخترع بودن به انسان موجب سوءاستفاده اشخاص از اختراعاتی می‌شود که مخترع آن چیز دیگری است و این امر موجب گمراهی جامعه و برخلاف اهداف مالکیت فکری است (شاگری و همکاران، ۱۴۰۳: ۷۸). این درخواست‌ها به بحث‌ها و چالش‌های حقوقی بسیاری در مورد این که آیا یک مدل هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان مخترع شناخته شود و در برگیرنده ثبت اختراع درج شود یا خیر، منجر شد. در این مورد علاوه بر ادارات ثبت اختراع، بین سیستم‌های

دعای مناطق مختلف نیز اختلاف نظر وجود داشت. برای نمونه، در ایالات متحده، دادگاه تجدیدنظر فدرال حکم داده است که هوش مصنوعی نمی‌تواند به‌عنوان مخترع در یک نظام ثبت اختراع حقوق آمریکا تلقی شود، با این استدلال که تنها یک انسان می‌تواند مخترع باشد.

اداره ثبت اختراع اروپا^۱ و اداره مالکیت فکری بریتانیا^۲ طبق کنوانسیون ثبت اختراع اروپا بر وفق رأی دادگاه آمریکا استدلال کردند و بیان داشتند که مخترع معین شده در یک درخواست ثبت اختراع باید یک شخص حقیقی باشد و انتساب عنوان مخترع بر یک ماشین مغایر با الزامات مشخص‌شده در ماده ۸۱ این کنوانسیون می‌باشد. علاوه‌براین، از آن‌جا که ماشین اهلیت قانونی ندارد، قادر به واگذاری و انتقال حقوق موضوع اختراع خود به متقاضی نیروی بشری نیز نمی‌باشد. اما ازسوی دیگر دادگاه فدرال استرالیا در تجدیدنظر با رویکردی متفاوت نسبت به آمریکا، درخواست تالر را پذیرفت و اعلام کرد که قانون ثبت اختراع ۱۹۹۰ این کشور، هوش مصنوعی را به‌عنوان مخترع می‌پذیرد و استدلال کرد که هوش مصنوعی قادر است به‌طور مستقل و بدون مداخله انسانی اختراعاتی را خلق کند. این موضوع نشان‌دهنده نوعی خالقیت و نوآوری است که می‌تواند در چارچوب مفهوم مخترع بودن قرار بگیرد. دادگاه بر این باور بود که قوانین باید به شیوه‌ای تفسیر شوند که با تحولات فناوری در عرصه اختراعات و نیازهای جامعه همگام باشد. تفسیر سنتی از اختراع نباید مانع از این شود که سامانه‌های هوش مصنوعی جدید که قادر به خلق اختراعات هستند، به رسمیت شناخته شوند.

همچنین علاوه بر دادگاه استرالیا، اداره ثبت اختراع آفریقای جنوبی نیز، گواهی ثبت اختراع را برای اختراعی که توسط هوش مصنوعی دابوس ایجاد شده بود صادر کرد. در آفریقای جنوبی، نظامی برای بررسی حق اختراع وجود ندارد، از این‌رو، پذیرش این اختراع ممکن است در مقایسه با دیگر کشورهای پیشرفته از اهمیت کمتری برخوردار باشد. با این وجود، این دستاورد همچنان به‌عنوان نقطه عطفی قابل توجه در عرصه هوش مصنوعی تلقی می‌شود. این حق اختراع از نام «دابوس» در قالب مخترع یاد می‌کند و ادعا می‌کند که اثر یادشده به‌طور خودکار توسط هوش مصنوعی پدید آمده است (سلمانی، ۱۴۰۳: ۱۶). پس نتیجه این می‌شود که تصمیمات مربوط به مخترع بودن هوش مصنوعی، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر میزان نوآوری، ابداعات و اختراعات و توسعه فناوری‌های جدید داشته باشد. اما اصالت و ماهیت اختراع ایجادشده توسط هوش مصنوعی در اکثر نظام‌های حقوقی پذیرفته نشده است (نوری و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸).

۳_۶. ماهیت اختراع هوش مصنوعی

آیا در قوانین ملی یا بین‌المللی مباحث مرتبط به اصالت و ماهیت اختراع هوش مصنوعی پیش‌بینی شده است، یا حتی در شرایط خاص، الزامی وجود دارد که یک مدل از سامانه هوش مصنوعی به‌عنوان مخترع ثبت شود یا لازم است که یک انسان به‌عنوان مخترع معرفی شود؟ این موضوع بیشتر ابعاد حقوقی و قانونی دارد. چت‌جی‌پی‌تی - از مصادیق مطرح هوش مصنوعی - را فرض کنیم که این مدل می‌خواهد

1. EPO
2. UK IPU

تا در زمینه خاص و با مشخصاتی خاص، اختراعی را خلق کند. در این جا مخترع چه کسی خواهد بود؛ خود پدید آورنده، استفاده کننده مدل هوش مصنوعی یا توسعه دهنده مدل؟

همان گونه که دریافتیم، در کنار آفرینش های فکری در حوزه آثار هنری و محتوای خلاقانه مانند موسیقی، آثار ادبی، طرح های معماری و مانند این ها، هوش مصنوعی قادر به اختراع نیز است (Fadvi and Alizadeh: 924). چنان که هوش مصنوعی توانایی گسترده ای از فناوری ها، از جمله: یادگیری ماشینی^۱، یادگیری عمیق^۲ و پردازش زبان طبیعی^۳ را پوشش می دهد (صلواتی و کمیلی پور، ۱۴۰۴: ۸۶)، تولید محتوا در مقیاس و سرعت بی سابقه را دارد فاقد عمق و پیچیدگی خلاقیت انسانی است. این مورد بدین دلیل است که خلاقیت بشری ریشه در احساسات و تجربیات و توانایی تفکر انتزاعی دارد و به آن کیفیتی منحصر به فرد و بی بدیل می بخشد. از سوی دیگر، محتوای تولید شده توسط مدل هوش مصنوعی مبتنی بر الگوریتم ها و داده ها است و بدین دلیل توانایی هوش های مصنوعی را برای جریان ذات خلاقیت انسان محدود می کند. همچنین در حالی که هوش مصنوعی بدون تردید می تواند با ارائه ایده ها به فرایند خلاق کمک کند، نمی تواند حس واقعی انسانی را که از بیان و تفسیر شخصی ناشی می شود تکرار کند. به دیگر سخن، هوش مصنوعی به ظاهر سطح بالایی از خلاقیت را دارد و پاسخ های متعددی برای مسائل ارائه می کند که نسبت به عملکرد انسان تنوع بیشتری را نشان می دهد (لطیف زاده، ۱۴۰۳: ۱۴۳).

پس یکی از پرچالش ترن و مهم ترین مباحث درباره سامانه های هوشمند تعیین ماهیت و اصالت حقوقی آن ها است. در حال حاضر سامانه های هوشمند، نظیر هوش مصنوعی شخصیت حقوقی مستقل ندارند و نمی توان حق و تکلیف برای آن ها در نظر گرفت. این رویکرد را می توان در نظریه های اداره های ثبت اختراع اتحادیه اروپا، انگلستان و ایالات متحده آمریکا درباره اظهارنامه هایی مشاهده کرد که در سال ۲۰۱۸ دکتر تالر در این ادارات ثبت کرد. این اداره با این استدلال که اشیا نمی توانند صاحب حق یا حقوق شوند و دادن اسم به آن ها سبب شخصیت پیدا کردن شان نمی شود بیان کرد سیستم ها و رایانه های هوشمند در حال حاضر از قابلیت مخترع بودن برخوردار نیستند و مخترع تنها شخصی حقیقی است. اداره ثبت اختراعات انگلستان نیز بر همین اساس نوشتن نام ماشین هوشمند به منزله مخترع را برخلاف مقررات قانون حق اختراع ۱۹۷۷ این کشور می داند و معتقد است مخترع باید به شخصی حقیقی نسبت داده شود و دادگاه عالی انگلستان و ولز نیز نظر این اداره را تأیید کردند.

۱. یادگیری ماشینی (ML): از الگوریتم هایی استفاده میکند که بر روی مجموعه داده ها آموزش داده شده اند تا مدلی ایجاد کند که سیستم های رایانه ای را قادر می سازد کارهایی مانند توصیه آهنگ ها، شناسایی مسیرهای بهینه یا ترجمه متن بین زبانها را انجام دهند. به عنوان مثال، چت بات ها و ابزارهای توصیه توسط ML پشتیبانی می شوند.
۲. یادگیری عمیق: یادگیری عمیق، زیر مجموعه ای از (ML)، شامل شبکه های عصبی با چندین لایه است. در کارهایی مانند تشخیص تصویر، درک گفتار طبیعی و سنتز گفتار عالی است. به طور خاص، مدل هایی مانند Chat GPT و بینایی کامپیوتری بر یادگیری عمیق تکیه دارند.
۳. پردازش زبان طبیعی (NLP): به ماشین ها اجازه می دهد تا زبان انسان را درک و تولید کنند. مورد استفاده در چت بات ها، ترجمه زبان، تجزیه و تحلیل احساسات و موارد دیگر.

علاوه بر این، اداره ثبت اختراع و علائم تجاری ایالات متحده اظهارنامه‌های دریافتی را به دلیل این که نام مخترع در آن‌ها درج نشده است رد کرد و گفت ماشین نمی‌تواند مخترع شناخته و از او حمایت و صیانت شود؛ زیرا مطابق با قانون حق اختراع ۱۹۵۲ این کشور، مخترع می‌بایست شخص حقیقی باشد. همچنان معیار اصلی تعیین مخترع بودن یا نبودن متقاضی، شکل‌گیری ایده اختراع در ذهن اوست؛ به نحوی که بتوان آن را در عمل اجرا کرد. در نظام حقوقی ایران، همان گونه که قانون حمایت از مالکیت صنعتی، اختراع را نتیجه فکر فرد یا افراد دانسته است و از آن چنین استنباط می‌شود که مخترع یا ایجادکننده باید شخص حقیقی باشد، نه شخص حقوقی. در واقع، هیچ موجودی غیر از انسان نمی‌تواند این بخش ذهنی اختراع را انجام دهد و مخترع شناخته شود. چنان که بسیاری از قوانین ملی، طبق معمول مخترع را به عنوان «فرد حقیقی» معرفی می‌کنند و حقوق انحصاری مادی و معنوی اختراع، به نام همان فرد ثبت می‌شود (کرمی و شاکری، ۱۴۰۲: ۴۴).

نظام حقوقی افغانستان (بند ۲ ماده ۶ قانون حمایت مخترع و مکتشف)، شهرت مکمل، تابعیت، شغل و آدرس مخترع را از نکات ضروری ثبت اختراع می‌داند. چنان که، تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی یک فرد با دولت متبوع. در یک دیدگاه کلی، اشخاص بسیاری می‌توانند مالک اختراعات سامانه هوش مصنوعی باشند، شامل: برنامه‌نویس، طراح، تولیدکننده یا مالک سامانه هوش مصنوعی، کاربر، مالک اطلاعات، سرمایه‌گذار و یا حتی می‌توان مالکیت مشترک را برای این اشخاص در نظر گرفت. این اشخاص نقش انکارناپذیری در تولید اختراع ناشی از هوش مصنوعی دارند. البته گروهی بر این باورند که مالکیت آن متعلق به هیچ موجود مستقلی نیست، بلکه به عموم تعلق دارد. در این جا باید میان دو مورد تفاوت قایل شد. یکی این که بخواهیم اختراع را به شخص سازنده و یا دارنده هوش مصنوعی نسبت دهیم. به این معنی که درواقع اختراع عمل انجام‌شده توسط شخصی مانند سازنده و یا دارنده هوش مصنوعی و یا کسی که با استفاده از هوش مصنوعی عملیات اختراع را ایجاد کرده است.

در یک اختراع مشترک، مخترع ممکن است شریکی نیز داشته باشد که برای داشتن حق مالکیت، باید به مفهوم اختراعی کمک کرده باشد. به عبارتی اگر شخصی صرفاً به جزئیات غیرضروری اختراع کمک کرده باشد، یا ماهیت این کمک اداری و یا مالی باشد، مفهوم اختراعی ندارد. از این رو، معیار در تعریف اختراع، ماهیت کاری است که باید خلاقانه و هوشمند باشد. در صورتی که فناوری هوش مصنوعی فقط ابزاری برای انسان باشد تا بتواند اختراعی را به بار آورد، به طور طبیعی از تعریف مخترع خارج است و تنها به ارتباط این که مخترع هوش مصنوعی را تنها به عنوان ابزاری در اختراع خود استفاده کرده باشد، مفهوم اختراع مشترک حاصل نمی‌شود و تنها مخترع خود به کارگیرنده هوش مصنوعی خواهد بود (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۲).

۴_۶ چالش‌های ماهیت اختراعات هوش مصنوعی

در پرتو این نگرش‌ها اعتقاد بر این است که اختراع بیشتر به فرایند ذهنی شخص مخترع مربوط می‌شود، اما مدل‌های هوش مصنوعی مانند انسان‌ها توانایی ذهنی لازم جهت درک نیاز به اختراع را ندارند. همچنین نمی‌توانند در مورد تکلیف و مفهوم نظری، که انسان در مورد تهیه وسایل برای خود تجزیه و تحلیل

می‌کند، صحبت کنند. با توجه به این مهارت‌ها، مخترعان انسانی را نمی‌توان کنار گذاشت (اسدپور و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۳۷).

طبق ماده ۸۱ کنوانسیون اروپایی اختراع، فقط یک انسان می‌تواند مخترع باشد؛ زیرا خلاقیت نیروی بشری در توانایی‌های شناختی، احساسات، تجربیات، فرهنگ و مانند این‌ها ریشه دارد. همچنین ظرفیت تخیل، تولید فکر اصیل، مهارت‌های حل مسأله و بیان عاطفی همگی اجزای جدایی‌ناپذیر فرایندهای خلاق انسانی هستند. در مقابل، خلاقیت در سامانه هوش مصنوعی مبتنی بر الگوریتم‌ها است. این مسأله باعث می‌شود انسان‌ها خلاقیت را با ویژگی تحول‌آفرین داشته باشند؛ لیکن مدل‌های هوش مصنوعی خلاقیت ترکیبی دارند که به‌شدت متکی بر پایگاه‌های داده و اطلاعات ورودی است. مدل‌های هوش مصنوعی با این‌که می‌توانند جنبه‌های خاصی از خلاقیت انسان را شبیه‌سازی و تقلید کنند، به‌دلیل فقدان اصالت ذاتی و دیدگاه‌های ذهنی، فقط نقش بهبوددهنده و توسعه‌دهنده در خلق اختراعات دارند (لطیف‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۵۰).

در قانون حمایت از مالکیت صنعتی ایران مصوب ۱۴۰۳، نیز رویکرد مشابه با قوانین سایر کشورها مشاهده می‌شود. ماده ۱۲۳ قانون فوق نظر به تعریفی که از مخترع ارائه داده است، در حال حاضر به‌طور صریح مشخص نمی‌کند که آیا می‌توان هوش مصنوعی را به‌عنوان مخترع در نظر گرفت یا خیر؛ اما در ماده (۱) این قانون، قانونگذار اختراع را نتیجه فکر فرد یا افراد دانسته است. موضع‌گیری این قانون در ماده یک خود نشان می‌دهد، قانون‌گذار ایران نیز فرض مخترع بودن غیر انسان را مطرح نکرده است و از عبارات «فرد یا افراد» در این قانون، چنین مستفاد می‌شود که در حقوق ایران بر مبنای قانون حمایت از مالکیت صنعتی این کشور، در حال حاضر امکان مخترع دانستن سامانه هوش مصنوعی وجود ندارد. حقوق افغانستان هم در مورد ماهیت و مالکیت اختراعات هوش مصنوعی در قبال موضوع اختراع خویش، مسأله خاصی را تذکر نداد؛ اما قانون حمایت حقوق مخترع و مکتشف این کشور در ماده ۶ خود، شهرت و تابعیت مخترع را از نکات اصلی برای درخواست ثبت اختراع بیان داشته و چنین دانسته می‌شود که در حقوق این کشور نیز، امکان ثبت اختراعات غیر انسانی پیش‌بینی نشده است.

خلاصه سخن این‌که درباره مالکیت اختراعات خلق‌شده توسط هوش مصنوعی، برخی معتقدند کاربر هوش مصنوعی یا شخصی که عملیات هوش مصنوعی را ممکن کرده است، معقول‌ترین رویکرد باشد و مدل بریتانیایی کارآمدترین رویکرد به نظر می‌رسد. از مزایای عمده این رویکرد این است که تداوم سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را در فناوری تضمین و آن‌ها را مطمئن می‌کند که بازده سرمایه‌گذاری خود را دریافت خواهند کرد. از سوی دیگر کاربر با نوع استفاده خود باعث می‌شود این سامانه اختراعی به‌وجود بیاورد و این نظریه با کمترین چالش مواجه است (Fadvi and Alizadeh, 2024: 969). گروهی دیگر اعتقاد دارند که نمی‌توان شخصی را به‌عنوان مالک و پدیدآورنده اختراع هوش مصنوعی، به‌صورت کلی تعیین کرد، بلکه باید هر مورد را به‌صورت جداگانه مورد ارزیابی و تصمیم‌گیری قرار داد. بدیهی است در این وضعیت باید دست به تنظیم مقررات خاصی زد که البته نباید به‌صورت قواعد آمره باشند، بلکه باید به اراده اشخاص و قراردادهای خصوصی آن‌ها نیز اعتبار حقوقی بخشید و تا آن زمان شخص خاصی را نمی‌توان

مالک دانست و به‌ناچار باید مالکیت عمومی را پذیرفت. راه حل مطرح‌شده علمی دیگر این است که در نظام اختراع موجود باید تغییر ایجاد کرد یا یک نظام حقوقی مجزا برای حمایت از اختراعات سامانه هوش مصنوعی پدید آورد (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۵-۶۶).

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ماهیت حقوقی اختراعات هوش مصنوعی به تعیین این که آیا هوش مصنوعی می‌تواند مخترع باشد یا خیر، می‌پردازد. یکی از پرچالش‌ترین و مهم‌ترین مباحث درباره سامانه‌های هوشمند تعیین ماهیت و اصالت حقوقی آن‌ها است. در حال حاضر سامانه‌های هوشمند، نظیر هوش مصنوعی شخصیت حقوقی مستقل ندارند و نمی‌توان حق و تکلیف برای آن‌ها در نظر گرفت. در این زمینه، از فحواى متون قانونی افغانستان (ماده ۶ قانون حمایت حقوق مخترع و مکتشف) و ایران (ماده ۱ قانون حمایت از مالکیت صنعتی) دانسته شد که قوانین فوق، شاخصی برای مخترع دانستن هوش مصنوعی ارائه نکرده‌اند؛ این امر در قالب رویه‌های بین‌المللی نیز اغلب پذیرفته نشده است. به این معنا که ملاک‌های ثبت پتنت مانند نوآوری، گام ابتکاری و کاربرد صنعتی، نه‌تنها از منظر فناوری هوش مصنوعی بلکه از منظر منابع داده، شیوه‌های مالکیت و قراردادهای استفاده از هوش مصنوعی ارزیابی می‌شود و در اکثر نظام‌های حقوقی جهان نیز امکان مخترع دانستن سامانه هوش مصنوعی به‌طور صریح پذیرفته نشده است.

در این خصوص، نظام‌های حقوقی که امکان مخترع دانستن اختراع غیر انسانی را مطرح نکرده‌اند، چنین استدلال می‌کنند که مخترع یا ایجادکننده باید شخص حقیقی باشد، نه شخص حقوقی. همان‌گونه که اشیا نمی‌توانند صاحب حق یا حقوق شوند و دادن اسم به آن‌ها سبب شخصیت پیدا کردن‌شان نمی‌شود، سیستم‌ها و رایانه‌های هوشمند در حال حاضر از قابلیت مخترع بودن برخوردار نیستند و مخترع تنها شخصی حقیقی است. در واقع، هیچ موجود غیر انسانی یا ماشینی نمی‌تواند این بخش ذهنی اختراع را انجام دهد و مخترع شناخته شود. چنانچه بسیاری از قوانین ملی، طبق معمول مخترع را به‌عنوان «فرد حقیقی» معرفی می‌کنند و حقوق انحصاری مادی و معنوی اختراع، به نام همان فرد ثبت می‌شود. بنابراین از مجموع مباحثی که در این خصوص پرداخته شد و با توجه به اوصاف و خصوصیات متمایز سامانه هوش مصنوعی نسبت به انسان، کاربر هوش مصنوعی یا شخصی که عملیات هوش مصنوعی را ممکن کرده است، معقول‌ترین رویکرد در انتصاب مالکیت اختراعات خلق‌شده توسط هوش مصنوعی، پیش‌بینی شده است.

۸. پیشنهادها

۱. پذیرش اختراع مشترک انسان و ماشین: پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار دسته‌ای مستقل ایجاد کند که در آن اختراع نتیجه همکاری انسان و هوش مصنوعی تلقی شود. در چنین وضعیتی، مخترع اصلی انسان است؛ اما سهم هوش مصنوعی در فرایند خلاقیت به‌عنوان عامل کمکی تعریف شود.
۲. ایجاد یک رژیم حقوقی مستقل برای اختراعات AI: با توجه به این که اختراع هوش مصنوعی، می‌تواند بدون دخالت انسان ایجاد شود، پیشنهاد می‌شود نظام شفاف برای تعیین ماهیت طراحی شود.

۳. تعریف هوش مصنوعی به عنوان ابزار پیشرفته، نه مخترع: در این پیشنهاد، تأکید می‌شود که ماهیت حقوقی هوش مصنوعی همچنان در حد ابزار باقی بماند تا پیچیدگی‌های حقوق ناشی از اعطای شخصیت حقوقی نسبت به هوش مصنوعی ایجاد نشود.

منابع و مراجع‌ها

۱. ابوذری، مهرانوش. (۱۴۰۳). در جستجوی ردپای نقض هوشمند مالکیت فکری. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی، (۱۱).
۲. اسدیپور، فرشته و همکاران. (۱۴۰۲). تأثیر تحولات حقوقی هوش مصنوعی در حوزه حقوق مالکیت فکری. فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، (۵۸)، ۱۳۷.
۳. رهبری، ابراهیم، و شعبانپور، علی. (۱۴۰۱). چالش‌های کاربرد هوش مصنوعی به‌عنوان قاضی در دادرسی‌های حقوقی. فصلنامه تحقیقات حقوقی (ویژه‌نامه حقوق و فناوری).
۴. سلمانی، علیرضا. (۱۴۰۳). حقوق مالکیت فکری. تهران: دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی.
۵. سلیمانی‌امیری، غلامرضا. (۱۴۰۳). حسابرسی در عصر هوش مصنوعی. فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۴(۳).
۶. سه‌رایی، نیلوفر، و مؤمنی، حامد. (۱۴۰۲). کاربرد هوش مصنوعی و کلان‌داده در مقابله با کرونا. مجله اطلاع‌رسانی پزشکی نوین، ۹(۲).
۷. شاکری، زهرا و همکاران. (۱۴۰۳). نگاهی به پرونده دابوس: چشم‌اندازی به نظام آتی ثبت اختراعات (ص. ۷۳). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. صلواتی، نرگس، و کمیلی‌پور، علی. (۱۴۰۴). مالکیت فکری و هوش مصنوعی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای فقه، (۱۹).
۹. عزیزاده، عبدالرضا و همکاران. (۱۴۰۲). چالش‌های حمایت از اختراع سامانه هوش مصنوعی. حقوق اسلامی، ۳۰(۷۹).
۱۰. عموقین، جعفر عبادالله، و نصیری، محمدرضا. (۱۴۰۳). بررسی نقش هوش مصنوعی در آموزش با استفاده از رویکرد رنگاشت فناوری. مطالعات کاربردی علم‌سنجی، ۱(۲).
۱۱. کرمی، سید حمید امیرشاه، و شاکری، زهرا. (۱۴۰۲). چشم‌اندازی از نظام حق اختراع در پرتو کاربرد هوش مصنوعی. فصلنامه سیاست‌نامه علمی و فناوری، ۱۳(۲)، ۴۴.
۱۲. لطیف‌زاده، مهدیه. (۱۴۰۳). پیامدهای حقوقی نقش‌آفرینی خلاقیت هوش مصنوعی مولد در خلق آثار ادبی و هنری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. نوری، علیرضا قاضی و همکاران. (۱۴۰۳). چالش‌های پیش روی نظام بین‌المللی مالکیت فکری (با تمرکز بر نظام مالکیت صنعتی) در مواجهه با فناوری‌های هوش مصنوعی (شماره مسلسل ۲۰۲۹۰، کد موضوعی ۳۱۰). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۴. هانلین، مایکل، و کاپلان، آندریاس. (۱۴۰۲). تاریخچه مختصر از هوش مصنوعی: گذشته، حال و آینده هوش مصنوعی (امین حاجی‌وند و همکاران، مترجمان). تمدن حقوقی، ۶(۱۸)، ویژه‌نامه هوش مصنوعی.
15. Akula, R., & Garibay, I. (2021). Audit and assurance of AI algorithms: A framework to ensure ethical algorithmic practices in artificial intelligence (arXiv Preprint No. arXiv:2107.14046). arXiv. Retrieved from <https://arxiv.org/abs/2107.14046>
16. Fadvi, A., & Alizadeh, M. L. (2024). Ownership of artificial intelligence-generated works: An overview of the emerging intellectual property challenges in the technology era. *Islamic Law Research Journal*, p. 954.
17. Jordan, M. I. (2019). Artificial intelligence—The revolution hasn't happened yet. *Harvard Data Science Review*, 1(1), 1–9.